

به نام خدا



فارسی دوم



آموزگار: اکرم خاکسار



علوی

مدارس هزاره سوم



از همه مهربان تر



یک روز از مادرم پرسیدم: «دعا یعنی چه؟»
مادرم گفت: «دعا یعنی حرف زدن با خدا. در موقع دعا با خدا سخن می‌گوییم
و از او یاری می‌خواهیم.»



وقتی فهمیدم دعا یعنی چه، تصمیم گرفتم که من هم دعا کنم. چون خیلی کارها هست که باید از خدا بخواهم در انجام دادن آن‌ها مرا یاری کند. من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند. دعا می‌کنم پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های مهربان پیش ما باشند؛ چون بازی کردن و حرف زدن با آن‌ها را خیلی دوست دارم. روزی از مادرم پرسیدم:

«چرا همه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها را دوست دارند؟»

مادرم گفت: «چون آن‌ها بسیار مهربان هستند، همه را دوست دارند و به همه محبت می‌کنند.»

خدا کسانی را که به دیگران محبت و مهربانی کنند، دوست دارد.

خدایا، تو از همه مهربان تر هستی. من می دانم که تو انسان های مهربان را دوست




داری. پس همیشه سعی می کنم با هم کلاسی هایم و حتی بچه های کوچک تر از خودم مهربان

باشم تا تو مرا بیشتر دوست بداری!

درست و نادرست

۱. ما در دعا با خدا درد دل می کنیم.
۲. همه، آدم های مهربان را دوست دارند.
۳. ما فقط برای خودمان دعا می کنیم.

درست و نادرست

۱. ما در دعا با خدا درد دل می کنیم. 
۲. همه، آدم های مهربان را دوست دارند. 
۳. ما فقط برای خودمان دعا می کنیم. 

گوش کن و بگو

۱. دعا یعنی چه؟

۲. چرا خدا را شکر می کنیم؟

۳. چه کارهایی می توانی انجام دهی تا خدا تو را بیشتر دوست داشته باشد؟

گوش کن و بگو

۱. دعا یعنی چه؟

دعا به سخن گفتن با خدا دعا می گویند.

۲. چرا خدا را شکر می کنیم؟

زیرا خدا مهربان است و به ما در زندگی کمک می کند و به خاطر همه لطف های

که به ما دارد ما از خدا تشکر می کنیم.

۳. چه کارهایی می توانی انجام دهی تا خدا تو را بیشتر دوست

داشته باشد؟

با انجام کارهای خوب و دوری کردن از کارهای بد، با محبت کردن به دیگران و مهربانی کردن.

کلمات هم معنی

درس هشتم

از همه مهربان تر



دوست بداری

فهمید

یاری

حرف زدن

محبت

A decorative border with a dark red, scalloped frame. The background is light pink with vertical stripes. In the corners, there are clusters of stylized flowers: a yellow flower with white polka dots, a red flower with white polka dots, and a pink flower with white polka dots, all with green leaves.

یاری : کمک

فهمید : متوجه شد

دوست بداری : دوست داشته باشی

محبت : مهربانی

حرف زدن : سخن گفتن

کلمات مخالف

درس هشتم

از همه مهربان تر



روز

کوچک تر

مهربان

بیشتر

سالم

دوست

روز \neq شب

مهربان \neq نامهربان

کوچک تر \neq بزرگ تر

بیشتر \neq کمتر

دوست \neq دشمن

سالم \neq ناسالم

جمعہ کلمات



محبت: مہربانی

دعا: سخن گفتن با خدا

یاری: کمک

خیلی: بسیار - زیاد

حاضر: آمادہ

سخن: حرف - صحبت



الف

ج

ب ن

ر

ی



واژه سازی درس هشتم فارسی

از همه مهربان تر





پدر بزرگ
مادر بزرگ } پدر
پدر بزرگ
مادر بزرگ } مادر
} بستگان



واژه سازی درس هشتم فارسی

از همه مهربان تر



حالا تو بگو

پسر عمه }
دختر عمه } عمه

پسر عمو }
دختر عمو } عمو

پسر دایی }
دختر دایی } دایی

پسر خاله }
دختر خاله } خاله

جاهای خالی را پر کن.

۲

یعنی حرف زدن با خدا.

من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه باشند.

خدایا تو از همه هستی.

کلمه‌های درست داخل کمانک را انتخاب کن و دور آن خط بکش. بعد جمله‌های درست را بخوان.

۳

مینا جلوی آینه (نشسته بود، نشانده بود) و چشم‌هایش را (بسته بود، بسته بودم). مادرش از او (پرسید، می‌پرسد): «چرا چشم‌هایت را (بسته‌ای، بسته بوده‌ای)؟» مینا (می‌گفت، گفت، گفته بود): «می‌خواستم (بینم، دیده بودم، می‌بینم) وقتی (می‌خوابم، خوابانده بودم، خوابیده‌ام) چه شکلی (می‌شوم، بشوم، شوم).»

با کلمه‌های زیر جمله بنویس.

۴

◆ مهربان:

◆ دعا:

◆ دوست:

◆ خدا:

جاهای خالی را پر کن.

۲

دعا یعنی حرف زدن با خدا.

من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سلامت باشند.

خدایا تو از همه مهربان تر هستی.

کلمه‌های درست داخل کمانک را انتخاب کن و دور آن خط بکش. بعد جمله‌های درست را بخوان.

۳

مینا جلوی آینه نشسته بود، نشانه بود و چشم‌هایش را بسته بود، بسته بودم. مادرش از او پرسید،
می‌پرسد: «چرا چشم‌هایت را بسته‌ای، بسته بوده‌ای؟» مینا می‌گفت، گفت، گفته بود: «می‌خواستم بینم،
دیده بودم، می‌بینم» وقتی می‌خوابم، خوابانده بودم، خوابیده‌ام چه شکلی می‌شوم، بشوم، شوم.»

با کلمه‌های زیر جمله بنویس.

۴

◆ مهربان:

◆ دعا:

◆ دوست:

◆ خدا:

بیاموز و بگو هشتم فارسی



از همه مهربان تر

ساری

چای

موسی



بازی

برای

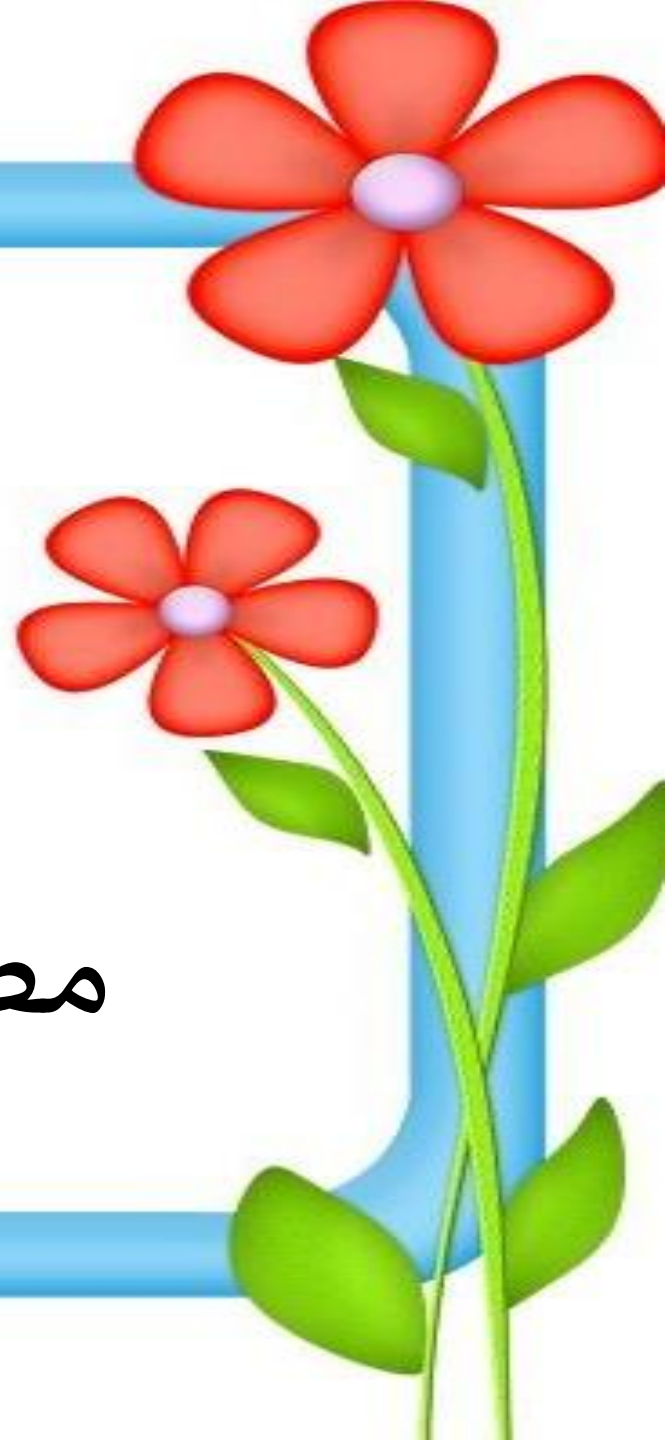
کبری



سینی

رأی

مصطفیٰ



نشانه ی (ی) صداهاى متفاوتى دارد.
در بعضى کلمات صدای (ای) مى دهد.
ساری - جاری - بازی
در بعضى کلمات صدای (ِی) مى دهد.
چای - رأی - برای
در بعضى کلمات صدای (آ) مى دهد.
کبری' - صغری' - موسی



بیاموز و بگو هشتم فارسی

از همه مهربان تر



پیدا کن و بگو

۱. کلمه هایی را که «ع ع ع» دارند.

۲. جمله ای که علامت «!» دارد.

۳.



۱. کلمه هایی را که «ع ع ع» دارند.
۲. جمله ای که علامت «!» دارد.
- ۳.....



۱. دعا-موقع-یعنی.
۲. تا تو مرا بیشتر دوست بداری!

چهار کلمه در درس پیدا کن که هیچ‌یک از حرف‌های آن به هم نچسبیده باشد.

۲

مثال: دوم

از روی کلمه‌های زیر، دوبار بنویس و هر یک را با صدای بلند بخوان.

۳

حتی - موسی - عیسی - مصطفی - مرتضی - مجتبی - یحیی

صفحه ۵۵ کتاب نگارش

۲

چهار کلمه در درس پیدا کن که هیچ یک از حرف های آن به هم نچسبیده باشد.

مثال: دوم زدن او دارد داری

۳

از روی کلمه های زیر، دوبار بنویس و هر یک را با صدای بلند بخوان.

حتی - موسی - عیسی - مصطفی - مرتضی - مجتبی - یحیی

۲

جمله‌ها را کامل کن.

الف) من دعا می‌کنم

ب) در موقع دعا

پ) من همیشه سعی می‌کنم

۳

با توجه به شکل پایانی کلمه‌ها آن‌ها را دسته‌بندی کن.

.....	صدای «ای»
.....	صدای «آ»

کبری - قوری - مجتبی
 ساری - عیسی - مرتضی
 هدی - بازی - گلی

۴

بنویس برای پیدا کردن دوست جدید، چه می‌کنی.



Four empty rectangular boxes stacked vertically for writing.

جمله‌ها را کامل کن.

۲

الف) من دعا می‌کنم همه انسان‌های کره‌ی زمین در صلح و آرامش باشند.

ب) در موقع دعا .. با خدا سخن می‌گوییم و از او یاری می‌خواهیم.

پ) من همیشه سعی می‌کنم به دیگران کمک می‌کنم.

با توجه به شکل پایانی کلمه‌ها آن‌ها را دسته‌بندی کن.

۳

قوری-بازی-گلی-ساری	صدای «ای»	کبری-قوری-مجتبی
کبری-مجتبی-مرتضی-هدی-عیسی	صدای «آ»	ساری-عیسی-مرتضی هدی-بازی-گلی

بنویس برای پیدا کردن دوست جدید، چه می‌کنی.

۴



صفحه 56

کتاب نگارش

کلمه‌های هم معنا را پیدا کن و کنار هم بنویس.

۲

.....
.....
.....
.....
.....
.....

حرف - یاری - سعی - مهربانی - محبت - کمک -
تلاش - صحبت - موقع - زیاد - خیلی - وقت

طبقه بندی کن.

۳

عمو - پسردایی - خاله - دخترعمو - پسرعمه - دخترخاله - دایی - عمه - پسرعمو

بستگان پدر:

بستگان مادر:

داستان زیر را کامل کن.

۴

گنجشک کوچولو روی شاخه‌ی درخت نشسته بود و از آن بالا، رودخانه را تماشا می کرد. او از تنهایی خسته شده بود. ناگهان تصمیم گرفت



صفحه 57

کتاب نگار

.....
.....
.....
.....

کلمه‌های هم‌معنا را پیدا کن و کنار هم بنویس.

۲

حرف - صحبت
 یاری - کمک
 وقت - موقع
 مهربانی - محبت
 زیاد - خیلی
 سعی - تلاش

حرف - یاری - سعی - مهربانی - محبت - کمک -
 تلاش - صحبت - موقع - زیاد - خیلی - وقت

طبقه‌بندی کن.

۳

عمو - پسردایی - خاله - دخترعمو - پسرعمه - دخترخاله - دایی - عمه - پسرعمو

بستگان پدر: عمو - دخترعمو - پسرعمه - عمه - پسرعمو

بستگان مادر: پسردایی - خاله - دخترخاله - دایی

داستان زیر را کامل کن.

۴

گنجشک کوچولو روی شاخه‌ی درخت نشسته بود و از آن بالا، رودخانه را تماشا می‌کرد. او از تنهایی خسته شده بود. ناگهان تصمیم گرفت



صفحه ۵۷ کتاب نگارش

بخوان و حفظ کن



شاپرک آمد کنارِ پنجره
روی شیشه، مثلِ برگی دیده شد
دست بُردم تا بگیرم، او پرید
برگی انگار از درختی چیده شد
شاپرک باز آمد و آنجا نشست
بالِ رنگارنگِ خود را باز کرد
آفتابِ مهربان چون مادری
بال‌های نازکش را ناز کرد
پشتِ شیشه، آفتابِ مهربان
می‌درخشید از میانِ آسمان
دیده می‌شد بال‌های شاپرک
روی شیشه مثلِ یک رنگین‌کمان

حكايت



همکاری

حضرت محمد (ص) و یارانش از شهری به شهر دیگری می‌رفتند. در راه خسته شدند. ایستادند تا کمی استراحت کنند و غذایی بخورند.

یکی از یاران گفت: «من حاضرم که غذا درست کنم.»

دیگری گفت: «من هم آب می‌آورم.»

به این ترتیب، هر یک از یاران، انجام کاری را پذیرفتند.

حضرت محمد (ص) فرمودند: «من هم هیزم جمع می‌کنم و می‌آورم.»

همراهان گفتند: «شما استراحت کنید.»

ولی حضرت محمد (ص) نپذیرفتند و گفتند: «من هم مثل یکی از شما هستم، در سفر همه باید همکاری

کنیم.»

* به نظر شما چرا پیامبر (ص) پیشنهاد دوستانشان را نپذیرفتند؟